

نماز پیامبر اسلام ﷺ

از دیدگاه فقهی و اجتهادی امام ابوحنیفه

عبدالعزیز نعمانی

انتشارات صدیقی

۱۳۹۹

- سرشناسه : نعمانی، عبدالعزیز
- عنوان و پدیدآور : نماز پیامبر اسلام صلی الله علیه وسلم از دیدگاه فقهی و اجتهادی امام ابوحنیفه / عبدالعزیز نعمانی.
- مشخصات نشر : زاهدان : صدیقی، ۱۳۹۹.
- مشخصات : ۲۰۸ ص.
- شابک : ۹۷۸-۹۶۴-۸۲۷۴-۶۰-۸
- فهرست نویسی : فیا
- موضوع : محمد (ص)، پیامبر اسلام، ۵۳ قبل از هجرت - نماز
- موضوع : نماز -- احادیث
- موضوع : نماز (فقه اهل سنت)
- موضوع : فقه حنفی
- رده بندی کنگره : BP۱۴۱/۵
- رده بندی دیویی : ۲۹۷/۲۱
- شماره کتابشناسی : ۷۴۴۰۱۴۹
- ملی

www.ketab.ir

نماز پیامبر اسلام ﷺ
از دیدگاه فقهی و اجتهادی امام ابوحنیفه

مؤلف: عبدالعزیز نعمانی

ناشر: انتشارات صدیقی

تیراژ: ۱۰۰۰

سال نشر: ۱۳۹۹

قیمت: ۴۵۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸ - ۹۶۴ - ۸۲۷۴ - ۶۰ - ۸



آدرس: زاهدان، خیام، مجتمع فرهنگی مکی، نمایشگاه دائمی کتاب انتشارات صدیقی

تلفن:

۰۵۴۳۳۴۴۵۸۴۰

۰۹۱۵۹۳۹۷۳۱۳

فهرست مطالب

۷	پیشگفتار.....
۲۱	اهمیت نماز.....
۲۳	فرضیت نماز.....
۲۶	شرایط برگزاری نماز.....
۲۷	طهارت.....
۲۸	روش طهارت رسول خدا ﷺ.....
۲۹	سنن طهارت.....
۳۸	دعا در اثنای وضو.....
۳۸	دعای پایان وضو.....
۳۹	تحیة الوضوء.....
۴۰	طهارت لباس.....
۴۰	طهارت مکان.....
۴۳	نماز خواندن بر سجاده و حصیر.....
۴۳	نماز خواندن در باغ و زمین پاک.....
۴۳	نماز بر مرکب.....
۴۴	نمازگزاردن در هواپیما، کشتی، قطار و خودرو.....
۴۴	نماز خواندن با کفش.....
۴۷	نهادن ستره در نماز.....
۵۰	پوشاندن عورت.....

۵۱	حدّ عورت
۵۲	لباس نماز
۵۳	پوشش های مکروه در نماز
۵۷	استقبال قبله
۶۱	اوقات نماز
۶۵	وقت نماز صبح
۶۹	وقت نماز ظهر
۷۱	وقت نماز عصر
۷۶	وقت نماز مغرب
۷۷	وقت نماز عشا
۷۸	اوقات مکروه
۷۹	رکعات نماز
۸۱	قیام در نماز
۸۳	روش ایستادن در نماز
۸۶	نیت نماز
۸۷	نیت زبانی
۸۸	تکبیر تحریمه
۸۹	اختلاف مذاهب
۹۱	فقه و اجتهاد امام ابوحنیفه
۹۳	بستن دست ها در نماز
۹۵	محل قرار دادن دست ها
۹۹	فقه و اجتهاد امام ابوحنیفه

نگاه کردن به محل سجده	۱۰۰
خواندن ثنا	۱۰۱
خواندن تعوذ	۱۰۵
خواندن تسمیه	۱۰۵
قرانت فاتحه	۱۰۷
آمین گفتن	۱۱۵
قرانت در نماز	۱۱۷
قرانت پیامبر ﷺ در نماز صبح	۱۲۱
قنوت در نماز صبح	۱۲۱
قرانت پیامبر ﷺ در نماز ظهر و عصر	۱۲۳
قرانت پیامبر ﷺ در نماز مغرب	۱۲۴
قرانت پیامبر ﷺ در نماز عشا	۱۲۵
رفع یدین در نماز	۱۲۶
روش رکوع کردن	۱۳۵
تسیح در رکوع	۱۳۶
اعتدال و وقار در ادای ارکان	۱۳۹
دعا در قومه	۱۴۰
روش سجده کردن	۱۴۳
اذکار سجود	۱۴۹
نهی از قرانت قرآن در سجده	۱۵۳
برخاستن از سجده	۱۵۴
برخاستن از رکعت اول	۱۵۶

نشستن در تشهد	۱۵۸
خواندن تشهد	۱۶۱
اشاره در تشهد	۱۶۳
خواندن درود	۱۶۸
دعا در پایان تشهد	۱۶۹
سلام دادن در پایان نماز	۱۷۱
خواندن اذکار و ادعیه در پایان نماز	۱۷۳
خواندن اذکار در پایان نماز	۱۷۷
دعای دسته جمعی در پایان نماز	۱۸۰
نماز سنت	۱۸۴
قضا آوردن نماز سنت	۱۸۸
نماز وتر	۱۸۹
دعای قنوت	۱۹۱
سنت نماز جمعه	۱۹۳
نماز مسافر	۱۹۷
مسافت قصر نماز	۱۹۸
نماز سنت در سفر	۲۰۱
منابع:	۲۰۲

پیشگفتار

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على سيدنا محمد النبي الأمين، وعلى آله و أصحابه اجمعين ومن تبعهم باحسان إلى يوم الدين؛

کاملاً بدهی است که درک و فهم انسان به تنهایی رهگشای مشکلات و پاسخگوی نیازهای اعتقادی و معنوی بشر نیست، به همین خاطر خداوند برای هدایت نوع بشر کتاب‌های آسمانی را توسط پیامبران خویش فرستاد تا انسان آن‌گونه که در شأن والای اوست به آفریدگار هستی ایمان بیاورد و به روش صحیح و عقلانی به عبادت و نیایش پروردگار خویش بپردازد.

در تداوم سلسله ادیان الهی و بعثت پیامبران، خداوند جل اسلام را به عنوان برنامه جامع زندگی و حضرت محمد ﷺ را به عنوان خاتم پیامبران معرفی فرمود: «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتِمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا» (مانده: ۳) «امروز دینتان را برایتان کامل کردم، و نعمت خویش را بر شما تمام نمودم و اسلام را به عنوان آیین شما پسندیدم.»

در بدو اسلام، وحی الهی تدریجاً نازل شد و پیامبر اسلام، حضرت محمد ﷺ وظیفه یافت تا مقاصد و مفاهیم وحی خداوندی را برای مردم تبیین و تشریح نماید. «وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ» (نحل: ۴۴) «و ما قرآن را بر تو نازل کردیم، تا آنچه را که به سوی مردم نازل شده است، برای آنان روشن سازی تا اندیشه کنند.»

در آن زمان، اصحاب پیامبر ﷺ و مخاطبان وحی بر زبان عربی تسلط کامل داشتند و به همین خاطر مفاهیم و آیات الهی را به درستی درک می کردند و به محتوای آن عمل می کردند و اگر احیاناً با پرسش یا ابهامی مواجه می شدند به شخص پیامبر اسلام ﷺ

مراجعه می کردند تا مفهوم صحیح و مقصود اصلی را بر ایشان تبیین نماید. علاوه بر این اصحاب پیامبر ﷺ روش عبادت و نیایش رسول خدا ﷺ را از نزدیک مشاهده می نمودند و همواره از فیض مصاحبت ایشان برخوردار بودند و در هر موردی به سیرت و عملکرد پیامبر ﷺ تأسی می جستند چراکه خداوند متعال، پیامبر اسلام ﷺ را به عنوان الگو و اسوه معرفی نموده و به همگان دستور داده است تا در انجام احکام شرعی از روش پیامبر ﷺ تبعیت نمایند: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا» (احزاب: ۲۱) «قطعاً برای شما، پیامبر خدا، الگوی نیکویی است، برای آنانی که امید به خدا و روز رستاخیز دارند و خدا را بسیار یاد می کنند.» «وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا» (حشر: ۷) «و آنچه را که پیامبر برای شما آورده بگیرید و از آنچه نهی کرده، اجتناب کنید.» رسول خدا ﷺ نیز خود را به عنوان معلم و الگو معرفی می نماید و می فرماید: «انما بعثت معلماً؛ من معلم برانگیخته شدم.»

درباره روش نماز خواندن می فرماید: «صلُّوا كما رأيتموني أصلي»^۱ نماز بخوانید به روشی که مرا می بینید نماز می خوانم.» و درباره ادای مناسک حج می فرماید: «خذوا عني مناسككم»^۲ مناسک و احکام حج تان را از من بیاموزید.»

این روال تا زمان حیات پیامبر اسلام ﷺ تداوم یافت و به همین جهت این برهه از تاریخ اسلام را می توان دوران طلایی اسلام نامید؛ زیرا که وحی الهی، پیرامون هر مسأله و رویدادی نازل می شد و پیامبر اسلام ﷺ نیز در مقام شارع به تشریح و تبیین احکام شریعت می پرداخت و مسلمانان در عمل به احکام دین اسلام با هیچ گونه ابهامی مواجه نمی شدند.

وفات پیامبر اسلام ﷺ و انقطاع وحی، اصحاب پیامبر ﷺ را به تأمل واداشت تا به تدوین اصول و منابع اساسی دین اسلام بپردازند، زیرا بیم آن می رفت که با گذشت زمان

۱. سنن ابن ماجه: ۹۸/۱، روایت، ۲۲۹.

۲. صحیح بخاری: ۱۹۴/۱، روایت ۶۳۱.

۳. بیهقی، احمد بن حسین، سنن کبیر: ۱۰۱/۱۰، روایت ۹۶۰۰.

و در تکاپوی جنگ با دشمنان اسلام، حافظان قرآن کریم و ناقلان سنت نبوی، یکی پس از دیگری به شهادت برسند و هیچ‌گونه سند و مدرکی از اصل دین برای نسل‌های آینده باقی نماند. بدین منظور حضرت عمر بن خطاب رضی الله عنه در اقدامی هوشمندانه و پیشگیرانه به نخستین جانشین پیامبر صلی الله علیه و آله و خلیفه مسلمانان، ابوبکر صدیق رضی الله عنه پیشنهاد کرد تا قرآن کریم را در یک نسخه تدوین و گردآوری نماید. زید بن ثابت رضی الله عنه در این باره می‌فرماید: «ابوبکر صدیق رضی الله عنه پس از جنگ «یمامه» مرا احضار کرد، من نزد ایشان رفتم و دیدم که عمر بن خطاب رضی الله عنه آنجا حضور دارد. ابوبکر رضی الله عنه فرمود: عمر نزد من آمده و می‌گوید: در جنگ یمامه، عده زیادی از قاریان قرآن به شهادت رسیده‌اند و من از آن بیم دارم که در جنگ‌های پیش رو افراد دیگری نیز به شهادت برسند و بخش عمده‌ای از قرآن کریم ناپدید شود! رأی من این است که دستور بدهی، قرآن را جمع‌آوری و تدوین کنند. سپس ابوبکر رضی الله عنه روی به من کرد و فرمود: من جان و خردمند هستی و ما نسبت به تو هیچ‌گونه سوءظنی نداریم؛ تو کاتب وحی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله بوده‌ای، پس دست‌نوشته‌های قرآن را جستجو کن و آنها را گردهم آور. زید رضی الله عنه گوید: بخدا سوگند! اگر مرا فرمان می‌دادند تا کوهی را از جایش برکنم و نزد آنان بیاورم، برایم دشوارتر از این کار نبود که مرا به جمع کردن قرآن امر نمودند، پس از آن در جستجوی اجزای قرآن برآمدم و نوشته پاره‌ها را از روی شاخه‌های خرما، سنگ‌های سفید و سینه مردان جمع‌آوری نمودم.»^۱

اما پس از آن‌که حضرت عثمان بن عفان رضی الله عنه به خلافت رسید، فرمان داد تا همه نسخه‌های موجود قرآن کریم مورد بازبینی قرار گیرد و نهایتاً مصحف رسمی پس از بازنویسی و تصحیح به نواحی مختلف بلاد اسلامی ارسال شد.

در پایان قرن اول هجری، فرق و مذاهب نوظهوری پدید آمد که هر یک در راستای منافع اعتقادی و تبلیغات فرقه‌ای خویش، به جعل روایات منتسب به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله پرداختند. این بار نیز بیم آن می‌رفت که احادیث پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله دستخوش تحریف و تغییر گسترده قرارگیرد. از این‌رو زمانی که عمر بن عبدالعزیز در سال ۹۹ هجری بر مسند

خلافت نشست، دستور داد تا همه احادیث پیامبر اسلام ﷺ از منابع صحیح و معتبر، تدوین و گردآوری شود.

امام ابو نعیم اصفهانی، محدث و مؤرخ اسلامی می‌گوید: «کتب عمر بن عبدالعزیز إلى الآفاق: انظروا حدیث رسول الله صلى الله عليه وسلم فاجمعوه واحفظوه؛ فإني أخاف دروس العلم، وذهاب العلماء؛» عمر بن عبدالعزیز به همه نواحی نامه نوشت که احادیث رسول خدا ﷺ را جستجو و آنها را جمع‌آوری و صیانت کنید، زیرا من بیم آن دارم که دانش و دانش‌پژوهان از میان بروند.» عمر بن عبدالعزیز به ابوبکر بن حزم - فرماندار مدینه منوره - نیز نامه نوشت تا احادیث پیامبر خدا ﷺ را از شهری که مهبط وحی الهی و منبع احادیث پیامبر اسلام ﷺ بود، گردآوری نماید.^۲

امام محمد بن شهاب زهري در این باره می‌گوید: «أمرنا عمر بن عبد العزيز بجمع السنن فكتبناها دفترًا فبحث إلى كل أرض له عليها سلطان، دفترًا؛» عمر بن عبدالعزیز به ما فرمان داد تا احادیث پیامبر ﷺ را جمع‌آوری نماییم، پس ما چندین دفتر نوشتیم و به هر سرزمین تحت سلطه او، دفتری از آن را فرستادیم.» پس از آن بود که نهضت علمی بزرگی آغاز شد و محدثان بنام در شهرهای مختلف اسلامی، به گردآوری و تدوین احادیث پیامبر اسلام ﷺ روی آوردند. این نهضت، قرن‌ها تداوم یافت و محدثان بیشماری ده‌ها کتاب حدیث را با عناوین مختلف تدوین نمودند، که در منابع حدیثی اهل سنت «صحاح سته» به عنوان برترین کتاب‌های حدیث پیامبر ﷺ انتخاب شدند.

دیری نباید که قلمرو اسلام توسعه یافت و مسلمانان در خارج از مرزهای شبه جزیره عرب با فرهنگ و تمدن اقوام و ملل جدیدی روبرو شدند و به همین جهت شرایط زمان ایجاب می‌کرد تا حرکت علمی نوینی آغاز شود تا به‌طور فراگیر پاسخگوی احکام و مسائل دینی عموم مردم باشد. از این رو عصر نهضت فقهی و تأسیس مذاهب از ابتدای

۱. اصفهانی، ابو نعیم احمد بن عبدالله، تاریخ اصبهان: ۳۶۶/۱.

۲. صحیح بخاری: ۴۱/۱، باب: کیف یقبض العلم.

۳. اندلسی، یوسف بن عبدالبر، جامع بیان العلم و فضله، ص ۱۰۷ روایت ۳۴۵.

قرن دوم هجری آغاز شد و در این برهه از زمان، فقه و تشریع احکام از لحاظ اجتهاد و فروع مذهبی به اوج تکامل رسید.

دکتر عبدالکریم زیدان - نویسنده و پژوهشگر معاصر اسلامی - در این باره می‌گوید: «اسلام به سرزمین‌هایی با زبان و فرهنگ متفاوت پا گذاشت و اقوام و ملل و پیروان سایر ادیان را تحت پوشش قرارداد که هر یک مسائل فراوانی را به دنبال داشت و پاسخ شرعی می‌طلبیدند. مسئله اساسی آن بود که تنها به بخش اندکی از مسائل جدید در احادیث پیامبر ﷺ پاسخ داده شده بود، زیرا این‌گونه پرسش‌ها در عصر پیامبر اسلام به صورت تئوری و عملی وجود نداشت، اما اکنون هم از نظر تئوری و هم از لحاظ عملی، پاسخ می‌طلبیدند.»^۱

مسئله اساسی دیگر آن بود که قرآن کریم بر ادای ارکان دین اسلام تأکید ورزیده، اما نحوه انجام آنها را به صورت خلاصه و مجمل بیان نموده است. در احادیث پیامبر اسلام ﷺ نیز مسائل و احکام مربوط به عبادات به صورت پراکنده وجود داشت. پژوهش و شناخت همه احکام و مسائل در پرتو قرآن و حدیث پیامبر ﷺ امری دشوار و طاقت‌فرسا به حساب می‌آمد. در راستای پاسخ‌گویی به این نیاز، ائمه مجتهدین با استفاده از منابع قرآن و احادیث پیامبر ﷺ، تلاش خستگی‌ناپذیری را آغاز کردند و نهایتاً به تدوین و ترتیب همه احکام و مسائل شرعی پرداختند و فرائض را از واجبات و مستحبات بازشناخته و احکام مربوط به آن را در ابواب و فصول معینی، مرتب نمودند.

عبدالرحمن بن خلدون - مؤرخ و جامعه‌شناس اسلامی - در این باره می‌گوید: «پس از چندی شهرهای اسلامی توسعه یافت و به عظمت و ترقی نائل آمد و بی‌سوادى و اُمتیت در نتیجه ممارست و قرائت قرآن از میان عرب، رخت بریست و استنباط احکام، امکان یافت و فقه کامل شد و در زمره فنون و علوم بشمار آمد. اما پیشوای عراقیان ابوحنیفه نعمان بن ثابت است که مذهب ایشان توسط او ثابت شده و او را در فقه مقامی است که

کسی بدان نمی‌رسد و همه اهل فن بویژه امام مالک و امام شافعی به بلندی جایگاه او در فقه گواهی داده‌اند.

در آن زمان پیشوای حجازیان، مالک بن انس اصبیحی امام مدینه بود و پس از امام مالک، امام محمد بن ادریس مطلبی شافعی پیشوای اهل حجاز شد و او در سفری که به عراق رفت با اصحاب ابوحنیفه ملاقات نمود و بسیاری از اصول آنان را فرا گرفت و روش حجازیان را با اصول عراقیان درآمیخت و مذهب خاصی پدید آورد.

پس از آن امام احمد بن حنبل بود که ایشان از محدثان بزرگ بشمار می‌آمد و اصحابش با سرمایه وافر که در علم حدیث داشتند، نزد اصحاب ابوحنیفه، قرائت حدیث کردند و به مذهب خاص دیگری شهرت یافتند و تقلید در بلاد اسلامی به این چهار تن منحصر شد که کمتر کسی جز از آنان تقلید می‌کند.^۱

در این نهضت علمی، امام ابوحنیفه رحمته الله نخستین کسی بود که اصول فقه را تدوین نمود و بر اساس آن با تحقیق و تامل در آیات قرآنی و احادیث نبوی به استنباط احکام و مسائل شرعی پرداخت.

امام موفق بن احمد مکی در این باره می‌گوید: «امام ابوحنیفه رحمته الله جمعی از شاگردان بلندپایه خویش را گرد هم آورد و مذهب اجتهادی خویش را بر اساس شورا بنیان نهاد، وی از استبداد رأی خودداری می‌کرد. امام ابوحنیفه رحمته الله نخستین کسی بود که علم شریعت را تدوین نمود، زیرا پیش از او هیچ‌یک از اصحاب پیامبر یا تابعین در این امر بر وی سبقت نگرفته بود، بخاطر آن که آنان علم شریعت را در قالب کتاب و ابواب معین مرتب نکرده بودند و غالباً بر دانش و حافظه‌شان اعتماد می‌کردند.

امام ابوحنیفه رحمته الله زمانی که علم را پراکنده دید، به تدوین علوم شرعی روی آورد و آن را به صورت کتاب و در ابواب مرتب نمود و کتابش را با مباحث طهارت و نماز، آغاز

۱. ابن خلدون، عبدالرحمن، مقدمه ابن خلدون؛ ترجمه محمد پروین گنابادی: ۹۰۷/۲.

نمود و با مسائل و احکام راجع به میراث به پایان رساند؛ زیرا نیاز هر فرد مسلمان پس از مرحله ایمان و اعتقاد، انجام عملی ارکان اسلام و در رأس همه نماز است.^۱

امام ابوحنیفه رحمته الله دامنه علم فقه و استنباط احکام شرعی را چنان وسعت داد که خطیب خوارزمی در این باره می گوید: «إنه وضع ثلاثة آلاف و ثمانين ألف مسألة، منها ثمانية و ثلاثون ألفاً في العبادات و الباقي في المعاملات، لولا هذا لبقى الناس في الضلالة»؛^۲ ایشان هشتاد و سه هزار مسئله تدوین نمودند که سی و هشت هزار مورد، متعلق به مسائل عبادات و بقیه آن پیرامون معاملات و دادوستد بود. و اگر این کار انجام نمی شد، مردم در گمراهی بسر می بردند.

امام محدث شمس الدین احمد ذهبی می گوید: «الإمامة في الفقه ودقائقه، مسلفة إلى هذا الإمام وهذا أمر لا شك فيه بدون تردید، امامت در علم فقه و دقایق امور آن به این امام، منتهی می شود.»^۳ باین حال، اجتهاد فراگیر و تنوری پردازی های امام ابوحنیفه در حوزه مسائل دینی، مخالفت آشکارا و سنت شکنی از روش محدثانی بود که تا آن زمان فقط به حفظ روایت احادیث پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله می پرداختند و از پاسخگویی به مسائل جدید و خارج از نصوص کتاب و سنت، طفره می رفتند.^۴ به همین خاطر محدثان سخت گیر و متشدد این اقدام امام را برتابیدند و مخالفت گسترده ای را با ایشان آغاز نمودند، اما با گذشت زمان، ائمه حدیث و مشاهیر علم و دانش به اهمیت و پویایی علم فقه و اجتهاد پی بردند و ابتکار امام ابوحنیفه را در جهت تدوین علوم شرعی، مورد تقدیر و ستایش قرار دادند.

امام محدث یحیی بن سعید قطان می گوید: «ما سمعنا أحسن من رأي أبي حنيفة، وقد أخذنا بأكثر أقواله»؛^۵ ما بهتر از رأی ابوحنیفه نشنیده ایم و بیشتر اقوال او را می پذیریم.

۱. مکی، موفق بن احمد، مناقب أبي حنيفة، ص ۳۹۱، تبیض الصحیفة فی مناقب أبي حنيفة، ص ۱۲۹.

۲. کردری، حافظ الدین بن محمد، مناقب أبي حنيفة، ص ۱۶۲.

۳. ذهبی، شمس الدین، احمد بن محمد، سیر أعلام النبلاء ۴۰۳/۶.

۴. سباعی، مصطفی، السنة و مکانتها فی التشريع الاسلامی، ص ۳۶۴.

۵. ذهبی، شمس الدین، احمد بن محمد، سیر أعلام النبلاء ۶۴۰۲.